

حاشیه‌های مرگ نخستین نخست وزیر

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر



۱۵ بهمن ۱۳۵۷. سالن آمفی تئاتر مدرسه علوی، مهندس مهدی بازرگان در مراسم معرفی خویش به عنوان نخست وزیر دولت موقت از سوی امام خمینی

نهضت آزادی که روزگاری آن قدر مورد اعتماد امام قرار گرفت که نخستین نخست وزیر پس از انقلاب اسلامی، دبیرکل آن بود و حتی پس از همه اختلاف سلیق و مواضع ناهمگون با انقلاب نوپا، همچنان پس از استعفا به دلیل تسخیر لانه جاسوسی رانده نشد؛ تا آنجا که در میان گزینه‌های رأی امام در مجلس اول بازرگان، سحابی‌های پدر و پسر، معین فرو... جای گرفته بودند؛ به دلیل رفتار ناشایست در دوره دفاع مقدس و تزریق یأس و ناامیدی به ملت که مکمل جنگ صدام بود. از چشم امام تا آنجا افتادند که فعالیت آنها غیرقانونی اعلام شد. انگار مهندس بازرگانی که روزگاری به احتیاط شهره بود، در روزهای آخر عمر پیرانه یاد از جوانی کرده بود. از این رو این روند، پس از ارتحال امام نیز ادامه یافت؛ ۱۲ خردادماه ۱۳۶۸، چشم مردم نگران حال امام خمینی بود. جدی بودن بیماری امام تازه به افکار عمومی رسیده بود و در کنار اضطراب ناشی از عشق عمیق امت به امام، مجموعه‌ای از عوامل گوناگون همچون عزل قائم مقام رهبری که دو ماه قبل از آن رخ داده و پس لرزه‌هایش باقی مانده بود، بقای تنش‌های مرزی با عراق پس از آتش بس و وجود احتمال حمله مجددی مشابه آنچه در مردادماه ۱۳۶۷ و پس از قبول قطعنامه رخ داده بود، نگرانی مردم از افزایش تنش‌های سیاسی میان مسئولان مثل آنچه در صحن علنی مجلس دیده می‌شد و... موجهی از نگرانی جدی برای آینده انقلاب اسلامی و کشور را پدید آورده بود. در چنین فضای اضطراب‌آلودی، نهضت آزادی با انتشار بیانیه‌ای به مخالفت با دستور امام برای بازنگری در قانون اساسی پرداخت با اشاره به اینکه «اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد که در مسائل بسیار مهم مملکتی و به شرط تصویب دو سوم آرا مجموع نمایندگان مجلس مراجعه به آراء عمومی بشود» مدعی شد چنین استجازه‌ای از مجلس به عمل نیامده است و از این رو مأموریت امام خمینی به شورای بازنگری قانون اساسی را خلاف قانون و فاقد اعتبار دانست.

کاملاً آشکار بود و فضای نقد و شور و انتخاباتی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس بر فضای سیاسی کشور حکمفرما بود. پاشیدن بذر یأس و ناامیدی و پمپاژ موج منفی از سوی نهضت آزادی به همین نقطه منتهی نشد. اعضای این تشکل به همراه دیگر چهره‌های همسو با آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای تفصیلی در چهار بند «اقتصادی و اجتماعی و زندگی»، «آزادی و بقا و بازنگری معنوی و مدیریت»، «استقلال و بقا و بازنگری کشور» و «روابط جهانی و سیاست خارجی» منتشر کردند که اوضاع کشور را به چالش و نقد کشیده بود.

تأثیر کلیدی مرگ بازرگان

سال ۱۳۷۳ برای نهضت آزادی سالی تعیین کننده بود؛ زیرا بیماری مهندس بازرگان موجب نگرانی این تشکل درباره آینده آن شده بود. مهندس بازرگان در عصر روز ۱۴ آذر ماه به علت عارضه ناشی از نارسایی قلب در بخش اورژانس بیمارستان دی بستری شد و ۳ روز بعد دفتر بازرگان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد «به اطلاع دوستان که جویای حال جناب آقای مهندس بازرگان هستند، می‌رساند که ایشان برای انجام پاره‌ای آزمایش‌ها و معاینات، چند روزی در بیمارستان بستری شده‌اند و به شکر خداوند، با دریافت نتایج آزمایش‌ها نگرانی رفع شده و قرار است که به زودی از بیمارستان مرخص شوند.» مهندس بازرگان خود نیز طی اطلاعیه‌ای در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ آذر مراتب تشکر خود را از پزشکان و کارکنان بیمارستان دی و عبادت‌کنندگان و علاقه‌مندانش اعلام کرد. اما خیلی زود شرایط بازرگان به مرحله‌ای رسید که نیازمند اعزام به خارج کشور شد. هاشمی رفسنجانی در خاطرات روزانه خود ذیل تاریخ ۷ دی ۱۳۷۳ نوشته است: «در باره درخواست مهندس [مهدی] بازرگان، برای معالجه در خارج از کشور که از ما هم کمک خواسته، صحبت شد؛ قرار شد کمک کنیم.» سرانجام او به توصیه پزشکان برای انجام

نهضت آزادی ۲۴ موضع‌گیری رسمی منتشر کرد، بیانیه‌هایی که علیه انتخابات، علیه رهبر منتخب نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، علیه رئیس جمهور منتخب مردم، علیه همه‌پرسی بالغ بر ۹۷ درصدی مردم، علیه ۳ رسانه از جناح‌های مختلف، علیه دستگاه قضا و... بود. همچنین در مهرماه این سال دهمین کنگره خویش را برگزار نمود و برای آن قطعنامه رسمی صادر کرد که سران آن (مهندس بازرگان، دکتر یزدی و مهندس توسلی) با «رینالدو گالیندوبیل» نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ملاقات کرده و محدودیت‌های قانونی برای فعالیت‌های براندازانه نهضت آزادی ایران را به عنوان نقض حقوق بشر در ایران گزارش کرده و رسماً این اقدام خود را اعلام کرد و به سم‌پاشی علیه اقدامات دیپلماتیک ایران پیرامون آتش بس پرداخت.

قطعنامه دهمین کنگره نهضت آزادی ایران که سه ماه بعد در دی‌ماه منتشر شد؛ مملو از سیاه‌نمایی و اتهامات گوناگون به حاکمیت بود. این قطعنامه مدعی بود «ملت و مملکت ایران در حال حاضر دشوارترین، نگرانی‌آورترین و تاریک‌ترین روزهای تاریخ خود را می‌گذراند.» آن هم در شرایطی که در سال ۶۸ شکست نظامی صدام در تعرض به خاک میهن قطعی شده و شکست دیپلماتیک‌اش در حال تحقق بود، آثار فروپاشی ابرقدرت بلوک شرق - که طی قرون اخیر همواره در شمال کشور یک دشمن قوی محسوب می‌شد و از حامیان اصلی صدام بود - عیان گشته و با ارتحال امام خمینی (ره)، نه تنها پیش‌بینی‌های دشمنان در خصوص اضمحلال قدرت انقلاب اسلامی محقق نگشته بود، بلکه با انسجامی چشمگیر در فضای سیاسی، سازندگی در داخل کشور با شدت آغاز و قدرت منطقه‌ای ایران در نقش قاطع ولی فقیه جدید در پایان دادن منازعات داخلی لبنان که اوایل همان ماه رخ داده بود، آشکارا مشخص شده بود. مؤلفه‌های امید به آینده در زندگی مردم

آزادی برای چندمین بار در فاصله‌ای کوتاه از ارتحال امام خمینی (ره) بیانیه‌ای صادر کرد و با القای وجود تقلب در انتخابات، مدعی شد باز هم میزان مشارکت مردم و استقبالی که از انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی تغییرات قانون اساسی به عمل آمده است، در مقایسه با دفعات گذشته تأییدکننده هیأت حاکمه نمی‌باشد و انتخابات را بدون رقیب تلقی کرد.

نادیده‌گرفتن حضور عضو سابق

ادعای فقدان رقیب برای هاشمی رفسنجانی در انتخابات ۱۳۶۸ در حالی است که رقیب هاشمی رفسنجانی در این انتخابات دکتر عباس شیبانی بود. وی از اعضای مؤسس نهضت آزادی بود که اگرچه بعدها راه خود را از آنها جدا کرد و منتقد انحصارطلبی مهندس بازرگان شد؛ ولی حضور او در این انتخابات می‌توانست مورد توجه کسانی قرار گیرد که قصد نفی نامزد اصلی را داشتند. شیبانی رقابتی واقعی با نامزد اصلی را در دستور قرار داده بود. جدیت او در رقابت به حدی بود که به رغم رایج نبودن نده‌های دهه‌های بعد در رقابت‌های آن دوره، به صورت ضمنی به نقد رقیب پرداخته و گفته بود: «بنده ستاد تبلیغاتی به سبک امریکایی ندارم و از چاپ پوستر و نظایر آن خودداری کرده‌ام [...] مسأله ریاست جمهوری احتیاج به تبلیغات شدید هم ندارد بلکه مسأله این است که رئیس جمهور باید از کسانی باشد که افراد او را بشناسند.»

با این حال هاشمی رفسنجانی ۹۴/۵۱ درصد کل آرا را اخذ کرده و به خود اختصاص داد که رقمی فراتر از انتظار منتقدین بود. این رأی گسترده بیانگر اعتماد مردم به روند تغییرات سیاسی سال ۱۳۶۸ و یکی از آخرین تدابیر بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی بود که با عزل منتظری کلید خورد. موضوعی که به نظر می‌رسد یکی از ریشه‌های اقدامات این مقطع نهضت آزادی را شامل می‌شود.

از ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۸ تا پایان آن سال،



برخی از اعضای جریان نهضت آزادی در زمستان ۱۳۵۹

ارتحال امام خمینی (ره)

ارتباط جمعی تنها یک نظر و تشخیص بتواند در جامعه مطرح گردد. با چنین مقدمه‌ای و طرح سؤال‌هایی همچون «چگونه می‌توان انتظار استقبال عمومی از انتخابات را داشت؟» و «چه تضمین و اطمینانی وجود دارد که انتخابات با امانت و مطابق قانون انجام گرفته امکان نظارتی برای ملت و مخالفین وجود داشته باشد؟» یکی از حساس‌ترین انتخابات کشور که حائز شرایطی همچون تمرکز جهان برای بررسی میزان مشارکت عمومی در انتخابات پس از ارتحال امام برای جمع‌بندی چگونگی مواجهه با آن و نیز تعیین سرنوشت آتش بس بود را تحریم و صریحاً اعلام کرد در آن شرکت نمی‌کند. نهضت آزادی در فاصله‌ای کوتاه ۴ بیانیه صادر کرد اما در عزم راسخ مردم اثری نداشت و اهمیتی پیدا نکرد. همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در ۶ مرداد ۱۳۶۸ با مشارکت پرشور مردم برگزار شد و ۹۷/۳۸ درصد از آراء، آری به تغییرات پیشنهادی هیأت بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. با چنین جواب محکمی از سوی مردم، انتظار می‌رفت نهضت آزادی بر مواضع گذشته خود پافشاری نکند. اما نهضت

فردای این بیانیه، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، به ملکوت اعلی پیوست. نهضت آزادی در فردای اعلام رسمی این خبر با صدور اطلاعیه‌ای کوتاه اما مملو از تلویح و کنایه، «رحلت رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران» را بدون استفاده از واژه امام، که در آن روزگار معنادار بود، تسلیت گفت؛ اقدامی که با توجه به احساسات برانگیخته عمومی، دور از انتظار می‌نمود.

سه هفته پس از ارتحال امام خمینی (ره)، در شرایطی که هنوز احساسات مردم از این ضایعه دردناک جریحه‌دار بود، نهضت آزادی با صدور اطلاعیه‌ای با چشم‌پوشیدن بر این واقعیت که حتی پیشنهاد ریاست شورای بازنگری قانون اساسی از سوی امام خمینی (ره) به آیت‌الله منتظری داده شده بود و عزل وی، حاصل اقدامات براندازانه در سایه او بوده است؛ مدعی شد «حاکمیت، به ویژه با اطلاعیه‌ای که احتمالاً از شدت بیماری رهبر انقلاب داشته‌اند، با برنامه‌ریزی قبلی تمامی صاحبان بینش‌های دیگر، حتی قائم مقام رهبری، را حذف و بی‌اثر کرده‌اند تا از این طریق و به مدد مؤثر تمامی وسایل